

سلاسل تصوف ایران

حاجی زین العابدین شیروانی مستعلیشاه صاحب کتاب بستان السیاحة، رحمت علیشاه شیرازی را (رحمت علیشاه اجدادش اهل قزوین بوده و بعد بشیر از آمده رحل اقامت افکنند) بجا نشینی خود منصوب نمود. رحمت علیشاه از طرف محمد شاه قاجار بسمت وزیر مالیه فارس معین گشته و لقب نایب الصدر گرفت بعد از رحمت علیشاه دو تن یکی حاجی میرزا کاظم تنباکو فروش اصفهانی سعادتعلیشاه چون خوش لباس بود از طرف محمد شاه (۱) قاجار ملقب به طاووس العرفا گردید طاووس مرشد ملاسلطان گنابادی بود از اینر و سلسله گنابادی راطاوسیه مینامند و نفر دیگر که داعیه جانشینی رحمت علیشاه داشت عمومی وی حاجی آقامحمد منورعلیشاه بود که سنأ از برادر زاده خود کوچکتر بود حاجی آقامحمد امام جماعت مسجد نوشیراز بود نزد صوفیه معمول است که پس از فوت قطب سلسله تمام درویش وابسته بآن قطب مجدداً نزد جانشین یا مشایخ وی مانند با اول ورود بتصوف مشرف بفقیر میشوند و این عمل را تجدید میگویند لذا حاج آقامحمد صفیعلیشاه را بهند فرستاد تا از آقاخان و بزرگان فرقه اسمعیلیه بناموی بیعت کرد آقاخان و بزرگان فرقه اسمعیلیه از زمان حاجی زین العابدین شیروانی در باطن درویش نعمه اللہی شدند و مستعلیشاه از ترس فتحعلیشاه شش ماه در یکی از دهات محلات نزد آقاخان باختفا بسر میبرد و جد آقاخان فعلی زمانی که بایران آمده بود بخانه صفی آمده تعداد کثیری تفسیر صفی ایتباع نمود و با تیمسار سبهد آقاولی رئیس انجمن اخوت عکسی بیادگار گرفت حاجی میرزا احسن فرزند محمد باقر لقب طریقت صفیعلیشاه در کرمان بدلال فضل الله میرزا نزد رحمتعلیشاه مشرف بفقیر گردید و چندی در شیراز در منزل حاجی آقامحمد بسر برد و از طرف منورعلیشاه شیخ سیار گشت و هنگام اقامت در هندز بده الاسرار در فلسفه شهادت امام حسین (ع) به نیکوترین وجهی بنظم در آورد که در نوع خود بی نظیر بود و در خمسه حسینی در پانصد صفحه در مطبعه سپهر شیراز بچاپ رسیده است مقاله ای مبنی بر برتری و فضیلت منورعلیشاه و ارجحیت او بر طاووس به نثر با قلمی شیوا به رشته تحریر در آورده است صفی سپس از هند بایران آمده و پس از مسافرت به بعضی بلاد در تهران در حیاط شاهی رحل اقامت افکنده و پس از مدتی حاجی سیف الدوله برادر بزرگه عین الدوله در باغ سپهسالار قطعه زمینی بمساحت دوهزار متر مربع بصفی برگذار نمود و چند اطاق در آن زمین احداث

۱- محمد شاه قاجار در بدایت امر مرید حاجی زین العابدین شیروانی گشته و بعدها مرید حاج میرزا آقاسی گردید حاجی میرزا آقاسی کتابی بنام چهل فصل در تصوف دارد و جانشین ملاعبداصمد همدانی بود.

نمود در حوضخانه این منزل صفی مدفون گشته و اکنون مزار و خانقاه صفی است. حاجی میرزا حسن صفی‌علیشاه در سوم شعبان ۱۲۵۱ هـ ق در اصفهان متولد گردید و بیست سال در یزد بسر برد و در کسوت روحانیت میزیست. در سال ۱۳۰۸ هـ ق در محل فعلی خانقاه سکونت نمود و تا آخر حیات خویش در این مکان زندگی مینمود و در عصر روز چهارشنبه بیست و چهارم ذی‌القره ۱۳۱۶ هـ ق فوت نمود عبدعلیشاه شیخ‌المشایخ منورعلیشاه موجب گردید که فی‌مابین حاج آقا محمد و صفی اختلاف ایجاد گردد لذا حاج آقا محمد بتهران آمد و پس از چندی صفی را از مقام ارشاد عزل نمود و صفی خود بشخصه رهبری مریدان را به عهده گرفت صفی در این مقوله در مقدمه دیوانش چنین گفته است: «بایران آمدم در آن اوقات مابین مشایخ این سلسله نزاع قطبیت سخت برپا بود و این معنی با سلیقه و سبک فقیر موافق نمی‌بود می‌گفتم سند فقیر ترک هنگامه است نه کاغذ ارشاد نامه جنگ و جدال رو به اهل‌قال است نه شیوه مشایخ و رجال» در امور مادی سیر قهقری امکان پذیر نیست تا چهره‌سرد عالم روحانیت منورعلیشاه بر طبق قانون مجاز بمنزل صفی نبود و آیه ۲۵۵ در سوره بقره (فقد استمسک بالمرءة الوثقی لا نفضام لها والله سمیع علیم) نیز برهانی مستدل بر رد قول حاجی آقا محمد منورعلیشاه است صفی در باره حاجی آقا محمد کاظم اصفهانی مینویسد آدم بی‌علم و اطلاعی بود اقوال ربانیه و شیخیه را می‌شنید بخاطرش میرسید باید درویش هم‌مینظور باشد.

مشایخ مشهور صفی بشرح زیر است:

علیخان ظهیرالدوله - میرزا محمودخان نائینی - معصوم خان کرمانی - حاج محمد ابراهیم نمازی - میرزا عبدالکریم متخلص به منصور و وحدت - نواب شمس سیدحسینی درهند نایب‌الصدر سمنانی - حاجی سیف‌الدوله - سیدالمشایخ قمشه‌ای - آقا رضا شمس برادر صفی - کیوان قزوینی افراد بنام جزء مریدان صفی بودند از جمله میرزا ابوتراب خان نظم‌الدوله بود که تفسیر صفی را بچاپ رسانید.

صفی سه‌همسر داشت که یکی از آنان سمات به بانو شادمند و همسر سومی بانو هاجر صابری که در لیله ۱۲۸۱-۴۵ شمسی در اثر سکنه درگذشت و دو دختر و یک پسر که بنام نورالدین داشت که در ماهان کرمان مدفون است بانو شمس الضحی دختر صفی اکنون در قید حیاتند و در مجاورت خانقاه پدرش سکونت دارد بانو شمس الضحی در نقاشی و شعر دستی توانا دارد و همسر مرحوم مهندس نشاط بود این بانوی محترم عکسی با پدرش دارد که در سن سه‌سالگی در بقل درویش حسین پشت سر صفی نشان داده میشود درویش حسین برادر درویش خرم است (درویش خرم در سفر هند ملازم صفی بوده و بعد خادم خانقاه تهران گردید)

صفی در دیوانش مخمسی دارد که شهرت بسزائی یافت و مطلع آن این است:

خواهم ایدل محو دیدارت کنم جلوه گاه روی دل‌داریت کنم
واله آن ماه رخسارت کنم بسته آن زلف طرارت کنم

در بلای عشق دلدارت کنم

ضمن بررسی برخورد نمودم به اشعار سلطان علی جدشاه اسمعیل صفوی که در کتاب سلسله‌النسب تألیف پیرزاده ازاحفاد تاج‌الدین شیخ زاهد گیلانی آورده شده وصفی‌مضمون مخمس را از سلطان علی اخذ نموده است اینک سه بیت بعنوان نمونه از سلطان علی نقل میگردد:

عاشقم گشتی پی - ریشانت کنم
آتش در خرمین سیرت ز - نم
گر بموئی در ره ما رهبری
دیگر از آثار صفی عرفان‌الحق به‌نثر است. تفسیر صفی بنظم بوده و طی دو سال به پایان رسیده است صفی در تفسیر بعضی از آیات مشکله را تفسیر عرفانی نموده و جذباتی در بردارد که ظهیرالدوله کلیه اشعار جذبات را یکجا گرد آورده و بنام آیه‌المشاق بچاپ رسانیده است است شیخ‌غلامرضاخان از مریدان صفی هم‌روزه سرانیده شده صفی را در حضورش با صدای دلکشی میخواند. یکی دیگر از آثار صفی بحر الحقایق است که اصطلاحات صوفیه را به نیکوترین وجهی بیان داشته است .

بعد از صفی سه تن ادعای جانشینی نمودند:

- ۱- علیخان قاجار قوانلو ملقب به ظهیرالدوله طریقت صفا علیشاه و مصباح‌الولاية .
 - ۲- میرزا عبدالکریم ملقب به لقب (معروف علیشاه) تخلص منصور ساکن شیراز و بی‌تجارت اسب اشتغال داشته و در شیراز مدفون گردید.
 - ۳- حاج سید محمودخان نائینی (حیرت علیشاه) که در ماهان کرمان میزیست و در یکی از حجرات صحن مقبره شاه نعمت‌الله مدفون گردید.
- بعد از منصور شیرازی آقای توانگر و پس از میرزا محمودخان نائینی سه نفر:

۱- نمازی

۲- حسین‌هندی

۳- محمد حکیمیان (رحمت علیشاه) ادعای جانشینی نمودند.

اما بنظر نگارنده این سطور ظهیرالدوله جانشین بحق و منحصر بفرد صفی بر طبق نص صریح کتبی صفی بود کیوان قزوینی در آثار ارزنده خود مطالب جالبی درباره سلسله صفی علیشاهی دارد که نقل آن در این مجیزه نمیگنجد و در خود مقاله مستقلاً است تا حق مطلب ادا گردد.

صفی برای مطالبین بفقیر پنج غسل (توبه - اسلام - جمعه - زیارت - حاجت) و پنج وصله (پارچه - نبات - جوز - انگشتر - سکه) قرار داده بعد ذکر خفی ذات (الله) بعد ذکر حیات (هو الحی) و پس از سالها به اخص مریدان ذکر تهلیلی (لا اله الا الله) را دستور میدادند صفی در فن عرفان و تصوف دستی قوی داشته و بر اغلب اقران خود برتری و مزیت داشت.

ظهر الدوله برای سلسله آرمی تعیین نمود که قبلا در تاریخ تصوف سابقه نداشت که از ستاره داود (آرم کنیسه) اقتباس گردیده است و برای واردین بفقیر تعریف صادر مینمودند. ظهور الدوله در ۱۳۱۷ انجمن اخوت را تأسیس نمود صفا در انجمن بانشریه و نمایش و کنسرت در بیداری افکار مردم و مبارزه با استبداد کوشش بسیار معمول داشت و جمع کثیری بالغ بر چهل هزار نفر گرد او جمع شدند و رجال عصر بدو پیوستند از جمله محمد حسن میرزا ولیعهد و میرزا کوچک جنگلی بود. صفا مشایخ زیادی تعیین نمود و مرحوم انتظام (بینش علیشاه) را سرپرست انجمن اخوت قرارداد ولی کسی را بجانمینی خود انتخاب نکرد یازده نفر را بعنوان هیئت مشاوره انجمن قرارداد بعدها آئین نامه صفا را تغییر دادند و اعضای هیئت بر طبق تصمیم متخذه خود شیخی برای انجمن اخوت انتخاب میکنند صفا آثار بسیاری بنظم و نشر از خود باقی گذارد که اغلب آنها بطبع رسیده است و در سالهای آخر عمر در جعفر آباد شمیران منزوی گردید صفا اصول سه زیر را در هنگام تشریف مریدان با نان تلقین مینمود ۱- تعظیم امر الله ۲- شفقت خلق الله ۳- خدمت اهل الله ۴- بذل نفس فی سبیل الله ۵- کتمان سر الله ۶- اطاعت ولی الله.

صفا در ۷ ربیع الاول ۱۲۸۱ قمری در قصبه اراج شمیران متولد و در روز سه شنبه ۲۴ ذیحجه ۱۳۴۲ ه ق در اثر سکتة در باغ جعفر آباد شمیران در گذشت و در نزدیکی باغ خود زیر درختی موسوم به داغداغان مدفون گردید و بعد وسیله انجمن اخوت زمین اطراف مقبره محصور گردید مشایخ سلسله صفی علیشاهی که در قبرستان ظهور الدوله مدفونند بشرح زیر است:

فروغ الملک ولیه صفا دختر ظهور الدوله - یمن الدوله - سالار امجد - شامبانی برادر سالار امجد - مولوی گیلانی - صفاء الملک - شاهزاده خسروانی - حسین پاشا خان بهروز آهی - خطیب الملک - دکتر مرزبان ساستاد غلامرضا - شیخ محمود صفائی - حاجی میرزا محمود. در این قبرستان ایرج میرزا و رشید یاسمی و چند نفر دیگر نیز مدفونند.

ظهور الدوله در آداب تشریف بتصوف تغییراتی داد. طالب بایستی بحمام رفته غسل توبه کند بعد يك دستمال نبات پارچه - جوز انگشتر سکه گرفته بوسیله پیر دلیل فقط یقه کراوات را گشوده بعن مقابل پیر ارشاد نشسته بعد از اصول بیان ستمه از طرف مرشد ذکر انفسی بهمرید تلقین مینماید بعد بوسیله پیر دلیل بسالن انجمن آمده با افراد حاضر در انجمن صفای درویشی میکند و پس از چند روز تعقیبات نماز که با سلاسل دیگر چندان اختلافی ندارد بوی تعلیم میدهد. برای جلوگیری از اطناب کلام از ذکر نام مشایخ و فرمانها خودداری نموده تا بعد از نظر خوانندگان ارجمند میگذرانند.